

# بازخوانی تفسیری آیه «فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى» بر پایه نشانه‌شناسی رولان بارت و گفتمان قدرت فوکو

علی سلحشور

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران،

رایانامه: a.salahshoor@uok.ac.ir

Ali Salahshoor, Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

## چکیده

آیه «فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى» از آیات نمادین قرآن در سورة نازعات و بیانگر بخشی از ماجرای تقابل موسی و فرعون است که در طول تاریخ اسلام، طیف گسترده‌ای از تفاسیر و برداشت‌های گوناگون را به خود اختصاص داده است. این پژوهش با روش تحلیلی - تفسیری و با بهره‌گیری از چارچوب نظری نشانه‌شناسی رولان بارت و گفتمان‌شناسی فوکو، به بازخوانی چندلایه معنایی و گفتمانی این آیه پرداخته است. بررسی حدود یکصد تفسیر نشان می‌دهد که آراء مفسران درباره مفهوم و مصداق آیه در نه دسته مجزا، از جمله عصا و ید بیضاء، قابل طبقه‌بندی است. تحلیل نشانه‌شناختی، با تفکیک سه سطح دلالت صریح، ضمنی و اسطوره‌ای، آشکار می‌سازد که برداشت‌های مفسران چگونه به تثبیت و بازتولید معانی فرهنگی، اعتقادی و ایدئولوژیک متفاوت انجامیده است. همچنین در رویکرد گفتمان قدرت، رابطه تفسیر آیه با ساختارها و نهادهای قدرت دینی، سیاسی و فرهنگی در بستر تاریخی خود بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که «الآیَةُ الْكُبْرَى» نه تنها یک معجزه جسمانی، بلکه میدان مبارزه‌ای گفتمانی است که بازتاب‌دهنده تعامل پیچیده دین، قدرت و فرهنگ در جوامع الهی است. این مطالعه بر اهمیت فهم چندلایه معنایی آیات قرآن با رویکردهای میان‌رشته‌ای تأکید دارد و ضرورت توجه به بستر تاریخی و گفتمانی در تحلیل متون مقدس را برجسته می‌سازد.

واژگان کلیدی، سورة نازعات؛ رولان بارت؛ فوکو؛ معجزه؛ نشانه‌شناسی

در حوزه مطالعات قرآنی، آیات مربوط به معجزات انبیا همواره کانون توجه مفسران، متکلمان و قرآن‌پژوهان بوده است. یکی از نمونه‌های شاخص در این زمینه، آیه ۲۰ سورة نازعات «فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى» است. این عبارت کوتاه و به ظاهر روشن، در متن سوره‌ای که تقابل موسی و فرعون را روایت می‌کند، حامل لایه‌های پیچیده‌ای از معنا، رمز و ارجاع است. واژه «آیه» در قرآن، دامنه معنایی گسترده‌ای دارد؛ از نشانه‌های طبیعی و آیات آفاقی و انفسی، تا رخدادهای خارق‌العاده، حجت‌های الهی و ابزارهای قدرت‌نمایی پیامبران. ترکیب «الْآيَةُ الْكُبْرَى» با صفت «کبری» جایگاهی ممتاز به این نشانه بخشیده و فهم آن را فراتر از سطح لغوی یا تفسیری صرف قرار داده است.

بررسی حدود یکصد تفسیر نشان می‌دهد که در میان مفسران کلاسیک و معاصر، اجماع کاملی درباره ماهیت «آيَةُ الْكُبْرَى» وجود ندارد. برخی آن را «عصای موسی»، گروهی «ید بیضاء» و عده‌ای مجموعه معجزات موسی در برابر فرعون دانسته‌اند. با این حال، در بیشتر این قرائت‌ها، سازوکارهای نشانه‌ای، گفتمانی و معناآفرین در دل آیه و ارتباط آن با متن پیرامونی و روایت قدرت کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

از این منظر، فهم آیه را می‌توان نه فقط بر اساس معنای زبانی - که سبب اختلاف آراء مفسران شده - بلکه در چارچوب گفتمان‌های قدرت و دانش - به تعبیر فوکو - بازخوانی کرد؛ جایی که بازنمایی معجزه، ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به پیامبر و نفی قدرت سیاسی حاکم است. نظریه نشانه‌شناسی رولان بارت، با تأکید بر تمایز دال و مدلول، امکان تحلیل دو سطح معنایی را فراهم می‌آورد، نخست، معنای دینوتاتیو<sup>۱</sup> یا تحت‌اللفظی که در آن «آيَةُ الْكُبْرَى» به مثابه معجزه‌ای محسوس و قابل مشاهده در داستان موسی ظاهر می‌شود؛ و دوم، معنای کنوتاتیو<sup>۲</sup> یا ضمنی که در آن نشانه، بار ایدئولوژیک و گفتمانی می‌گیرد و در بستر تقابل موسی و فرعون به ابزار تولید معنا، برساخت قدرت و هدایت افکار مخاطب تبدیل می‌شود. از منظر بارت، این لایه دوم همان جایی است که نشانه به اسطوره بدل می‌گردد و معنا در خدمت تثبیت یا چالش یک نظام قدرت قرار می‌گیرد. چنین خوانشی، لایه‌های پنهان قدرت، رمزگذاری و مخاطب‌سازی را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که «آيَةُ الْكُبْرَى» نه صرفاً یک رخداد خارق‌العاده، بلکه بخشی از استراتژی معنایی - گفتمانی قرآن در مواجهه با ساختارهای قدرت است.

پژوهش حاضر با واکاوی دیدگاه‌های مفسران قرآن - اعم از متقدمان، متأخران و معاصران - نشان می‌دهد که نظام معنایی هر مفسر، در عین وفاداری به متن، بازتابی از افق فکری و معرفت‌شناختی او نیز هست. بر این اساس «آيَةُ الْكُبْرَى» هم‌زمان یک دال قرآنی و یک گفتمان قدرت در تقابل با اقتدار زمینی است. روش تحقیق مقاله، توصیفی و تفسیری - تحلیلی است و با تلفیق رویکرد نشانه‌شناسی بارت و تحلیل گفتمان فوکو در متن قرآن و متون تفسیری، کوشیده است خوانشی نظریه‌مند و نو از یکی از برجسته‌ترین

<sup>۱</sup> . Denotative

<sup>۲</sup> . Connotative

آیات معجزه در قرآن ارائه دهد. این مطالعه، ضمن افزودن به غنای پژوهش‌های معناشناسی قرآنی، امکان گفت‌وگویی سازنده میان تفسیر و نظریه‌های ادبی و فرهنگی معاصر را نیز فراهم می‌کند.

## ۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پیشین در حوزه نشانه‌شناسی و سبک‌شناسی قرآن، به‌ویژه با بهره‌گیری از رویکردهای معاصر، نشان می‌دهد که متون مقدس ظرفیت بالایی برای تحلیل‌های چندلایه معنایی و گفتمانی دارند. پیرانی‌شال و زریوند (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌های سوره مبارکه مسد از منظر رولان بارت» با تمرکز بر رمزگان‌های پنج‌گانه بارت، نشان داده‌اند که این سوره واجد شبکه‌ای پیچیده از معانی است که در تعامل با بستر تاریخی و فرهنگی نزول، دلالت‌های فرامتنی تازه‌ای تولید می‌کند. همچنین زریوند (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای مشابه در سوره مبارکه نازعات، با تکیه بر همان چارچوب نظری، به تبیین چگونگی درهم‌تنیدگی رمزگان‌های معنایی و نمادین در شکل‌گیری پیام الهی پرداخته ولی متعرض تحلیل آیه مورد بحث و اختلاف آراء مفسران و نیز تحلیل دوسویه بارت و فوکو نشده است. در حوزه‌ای نزدیک، غیبی و اصغری (۱۴۰۱) با بهره‌گیری از الگوی سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو، تحلیل بلاغی سوره قلم را ارائه کرده و به پیوند میان سازوکارهای قدرت و ساختارهای زبانی در این سوره پرداخته‌اند.

در حوزه مطالعات بین‌المللی، هراحاب، لوییس و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «مفهوم بت‌ها در قرآن، تحلیل نشانه‌شناختی رولان بارت» نشان داده‌اند که آیات مربوط به بت‌پرستی نه تنها حاوی مضامین دینی آشکار، بلکه واجد لایه‌های ضمنی فرهنگی و ایدئولوژیک نیز هستند. در همین راستا، مقاله «تحلیل نشانه‌شناسی رولان بارت از معنای حرام» (۲۰۲۳) با واکاوی مفهوم «حرام» در قرآن، بر این نکته تأکید می‌کند که این واژه از طریق شبکه‌ای از رمزگان‌ها، معانی چندگانه‌ای پیدا می‌کند که علاوه بر بعد فقهی، شامل ابعاد اخلاقی، هویتی و اجتماعی نیز می‌شود. از منظر زبان‌شناسی اجتماعی، عبداللّهی - ایدیاگبون (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان «زبان، هویت و قدرت در داستان قرآنی موسی» استدلال کرده است که زبان در این روایت نه تنها ابزار انتقال پیام الهی است، بلکه نقشی کلیدی در بازتولید هویت دینی و تثبیت روابط قدرت ایفا می‌کند.

مرور این پژوهش‌ها بیانگر آن است که اگرچه رویکردهای نشانه‌شناختی و گفتمان‌کاوانه، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، توانسته‌اند ابعاد تازه‌ای از معنا و کارکرد زبان در قرآن را آشکار سازند، اما پیوند این تحلیل‌ها با بافت‌های فرهنگی - اجتماعی خاص و نقد گفتمان‌های تفسیری معاصر همچنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این خلأ می‌تواند بستری برای مطالعاتی نوآورانه فراهم آورد که هم از منظر نظری و هم از حیث روش‌شناختی، راه‌های تازه‌ای را در فهم لایه‌های پیچیده معنایی متن وحی بگشاید.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بازخوانی تفسیری آیه «فَأَرَاهُ الْكُتُبَى» (نازعات / ۲۰) در پرتو «نظریه‌های نشانه‌شناسی رولان بارت<sup>۳</sup> و تحلیل گفتمان قدرت میشل فوکو<sup>۴</sup>» بر مبنای سه مؤلفه نظری شامل نشانه‌شناسی بارت، تحلیل گفتمان فوکو و تلفیق آن دو سامان یافته است.

## ۱-۲. نشانه‌شناسی رولان بارت (نظام دلالتی، اسطوره، ایدئولوژی و مشروعیت بخشی)

نشانه‌شناسی علمی است که به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای نظیر زبان‌ها، رمزگان‌ها و نظام‌های علامتی می‌پردازد (عباسی و میرغفوریان، ۱۴۰۲، ص ۵). رولان بارت در امتداد سنت نشانه‌شناسی ساخت‌گرا، تحلیل خود را بر پایه تمایز میان دو سطح دلالت (دلالت‌گر و دلالت‌دار) بنا نهاده و آن دو را از یکدیگر متمایز می‌سازد، دلالت‌گر (denotation) که به معنای مستقیم، صریح و لغوی نشانه اشاره دارد و دلالت‌دار (connotation) سطحی است که معانی ضمنی، فرهنگی و ایدئولوژیک را فراتر از معنای واژگانی صریح دربرمی‌گیرد (بارت، ۱۹۷۲، ص ۱۳۳). بارت از دل این دوگانه، مفهوم اسطوره (myth) را به عنوان نوعی دلالت ثانویه معرفی می‌کند؛ نظامی که با بهره‌گیری از دلالت نخستین، معنایی جدید و تثبیت‌گر گفتمان غالب را تولید می‌کند (بارت، ۱۹۷۲، ص ۱۱۸). بارت مفهوم مهم «اسطوره» را به مثابه یک نظام معنایی معرفی می‌کند که از نشانه‌های زبانی یا تصویری استفاده می‌کند تا گفتمان‌های ایدئولوژیک را به صورت پنهان و به ظاهر طبیعی منتقل کند. از نظر بارت، اسطوره نه یک داستان یا روایت خاص، بلکه شکلی از گفتار است؛ شیوه‌ای از معنا دادن به جهان که گفتمان‌های ایدئولوژیک را به ظاهر طبیعی و بی‌طرف می‌نمایاند (بارت، ۱۹۷۲، ص ۱۳۱).

یکی از مؤلفه‌های کلیدی در نظریه بارت، تحلیل شیوه‌هایی است که ایدئولوژی در پوشش «طبیعت» پنهان می‌شود. بارت تأکید می‌کند که اسطوره، به جای نامیدن مستقیم ایدئولوژی، آن را از طریق پیوستاری به نام «ex-nomination» (نام‌زدایی)؛ یعنی فرآیندی که در آن ایدئولوژی، بدون آن که نامی از آن برده شود، طبیعی، بدیهی و غیرقابل چالش جلوه می‌کند (بارت، ۱۹۷۲، ج ۵، ص ۱۴۳). او در نوشته‌های متأخر خود درباره رسانه‌ها نشان می‌دهد چگونه حتی ساده‌ترین نشانه‌ها، از لباس گرفته تا ژست بدنی، می‌توانند حامل پیام‌هایی درباره قدرت، طبقه اجتماعی یا گفتمان فرهنگی مسلط باشند (بارت، ۱۹۸۳، ص ۳۳). این چارچوب اجازه می‌دهد نشانه‌هایی مانند «آیه» و «کبری»، نه فقط در سطح معنای لغوی، بلکه در قالب دلالت‌های فرهنگی، الهیاتی و قدرت‌محور تحلیل شوند.

## ۲-۲. قدرت و گفتمان در اندیشه میشل فوکو

میشل فوکو گفتمان را نه فقط وسیله‌ای برای انتقال دانش، بلکه سازنده دانش و حقیقت می‌داند. به بیان دیگر در نگاه فوکو، دانش و قدرت در رابطه‌ای متقابل، یکدیگر را تولید و مشروع می‌کنند؛ به گونه‌ای که قدرت، دانش را می‌سازد و همان دانش، قدرت را

<sup>۳</sup> . Roland Barthes

<sup>۴</sup> . Paul Michel Foucault

مشروع جلوه می‌دهد (فوکو، ۱۹۸۰، ص ۵۲). در این چارچوب، گفتمان، مجموعه‌ای از قواعد زبانی، مفهومی و نهادی است که مشخص می‌کند چه کسی، درباره چه چیزی، چگونه و با چه مجوزی می‌تواند سخن بگوید (فوکو، ۱۹۷۷، ص ۲۷). وی برای تحلیل تاریخی گفتمان‌ها - که می‌توان به عبارت «آیة الْکُبْرَى» از این دریچه نیز نگریست - از دو روش کلیدی بهره می‌گیرد:

الف. «باستان‌شناسی دانش»<sup>۵</sup>، تحلیل نحوه پیدایش و لایه‌بندی تاریخی دانش‌ها (فوکو، ۱۹۷۷، ص ۱۴۱).

ب. «تبارشناسی»<sup>۶</sup>، کاوش در منشأ تاریخی شکل‌گیری سازوکارهای قدرت و شیوه‌های مشروعیت‌بخشی آن‌ها (فوکو، ۱۹۷۷، ص ۱۴۳).

## ۲-۳. تلفیق نظریه‌های بارت و فوکو در تحلیل آیه

ترکیب نظریه‌های بارت و فوکو امکان نوعی تحلیل دوسویه و مکمل را فراهم می‌سازد. از یک سو، چارچوب بارت با تمایز سطوح دلالت صریح (Denotation) و ضمنی (Connotation) و همچنین با مفهوم اسطوره (Myth)، این قابلیت را دارد که نشان دهد واژگانی چون «آیه» و «کبری» در متن قرآنی، فراتر از معنای لغوی خود، حامل لایه‌های فرهنگی، الهیاتی و ایدئولوژیک‌اند. از سوی دیگر، دستگاه مفهومی فوکو نشان می‌دهد که همین نشانه‌ها و معانی، در چه بافت‌های گفتمانی و تاریخی وارد شده و چگونه درون مناسبات قدرت و دانش به کار گرفته می‌شوند.

بدین ترتیب، نظریه اسطوره نزد بارت و نظریه گفتمان نزد فوکو، مکمل یکدیگر می‌شوند: بارت نشان می‌دهد که چگونه معناها در سطح نشانه‌ای و فرهنگی ساخته و طبیعی‌سازی می‌شوند، و فوکو آشکار می‌سازد که این معناها چگونه در خدمت تثبیت یا به چالش کشیدن سازوکارهای قدرت قرار می‌گیرند. بنابراین، تلفیق این دو چشم‌انداز امکان می‌دهد تا «آیة الْکُبْرَى» نه فقط به عنوان یک دال قرآنی، بلکه به مثابه یک رخداد گفتمانی بررسی شود که در آن، نشانه‌ها و نظام‌های معنایی (از نگاه بارت) با فرآیندهای مشروعیت‌بخشی و تولید قدرت (از نگاه فوکو) پیوند خورده‌اند. از این منظر، تفسیرهای مختلف از «آیة الْکُبْرَى» را می‌توان بازتابی از گفتمان‌های دینی، تاریخی و ایدئولوژیک دانست که در طول تاریخ درون نظام‌های تفسیری تثبیت شده‌اند. چنین رویکردی به خواننده کمک می‌کند تا درک کند که معنا و تفسیر یک آیه، نه صرفاً برآمده از متن، بلکه محصول تعامل پیچیده نشانه‌ها و گفتمان‌های قدرت است.

## ۳. تحلیل تفسیری آیه ۲۰ سوره نازعات بر اساس دیدگاه مفسران

<sup>۵</sup> . Archaeology

<sup>۶</sup> . Genealogy

بررسی بیش از یکصد تفسیر نشان می‌دهد که مفسران بر اساس مبانی و روش‌های خاص خود درباره مفاهیم و مصادیق واژه آیه در «فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى» (نازعات/ ۲۰) دیدگاه‌های مختلفی ابراز داشته‌اند که می‌توان آنها را در قالب عناوین مختلفی به شرح زیر دسته‌بندی و تحلیل کرد:

### ۳-۱. اشاره به تمام معجزات موسی (ع)

گروهی از مفسران، آیه را اشاره به تمام معجزات موسی (ع) دانسته‌اند و استدلال کرده‌اند که در این آیه به اعتبار دلالت واحد، تمام معجزات در قالب یک معجزه واحد ذکر شده است (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۸۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹، ص ۲۰۳؛ بقاعی، ۱۴۲۷ق، ج ۸، ص ۳۱۶؛ پانی پتی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۱۹۱؛ شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۴، ص ۳۶؛ عاملی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۴۷۲؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۳۲۸).

### ۳-۲. صرفاً اشاره به عصای موسی (ع)

طباطبایی و نسفی بر اساس مفاد قصه، آیت کبری را عصا دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۸۹؛ نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۱۳۵). فخر رازی به نقل از عطاء گفته است که منظور عصاست و چنین استدلال کرده که آنچه در مورد دست رخ داد، صرفاً تغییر رنگ بود و این تغییر در عصا نیز رخ داد؛ چرا که وقتی به مار تبدیل شد، بی‌تردید رنگش نیز عوض شده بود. پس هر آنچه در دست بود، در عصا نیز تحقق یافت. افزون بر آن، در عصا ویژگی‌هایی دیگر هم دیده می‌شود نظیر تبدیل شدن یک جسم بی‌جان به موجود زنده، افزایش حجم و اجزاء و پیدایش قدرت و نیرویی عظیم در آن، بلعیدن اشیای بسیار و سپس از بین رفتن همان حیات و قدرت و زوال آن اجزای جدید و شکل و رنگ مارگونه‌اش. هر یک از این ویژگی‌ها، به‌تنهایی معجزه‌ای مستقل‌اند. لذا آیه بزرگ، عصا بوده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۱-۴۲). در تفاسیر الاشارات و الفواتح نیز عصا به عنوان بزرگترین نشانه‌های نه‌گانه که به موسی (ع) داده شده، تلقی شده است (طوفی، ۱۴۲۶ق، ص ۶۷۸؛ علوان، ۱۹۹۹م، ج ۲، ص ۴۸۳). مفسران دیگری نیز بر اینکه آیت کبری در این عبارت، عصا بوده تاکید کرده‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ص ۳۰-۷۱؛ شبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۱۱؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ص ۳۲۴؛ فیضی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۲۰۶؛ کاشفی، بی‌تا، ص ۱۳۳۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۱۴، ص ۱۱۹؛ مراغی، بی‌تا، ص ۲۹-۳۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۵۱۰؛ آل‌غازی، ۱۳۸۲ق، ج ۴، ص ۴۲۰؛ طالقانی، ۱۳۶۲ش، ج ۳، ص ۹۴؛ سبزواری، ۱۴۱۹ق، ص ۵۹۰؛ قرشی بنایی، ۱۳۷۵ش، ج ۱۲، ص ۶۲؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۸۵؛ حجازی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۸۱۸).

### ۳-۳. صرفاً اشاره به ید بیضاء

در مقابل دیدگاه پیشین گروه اندکی نیز مقصود از آیه بزرگ را صرفاً ید بیضاء دانسته‌اند (واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۱۷۱). فخر رازی ضمن آنکه دیدگاه عصا را تایید کرده است اما به نقل از مقاتل و کلبی که با استناد به آیات: «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ فِي جَبَلِكْ تَخْرُجُ بَيِّضَاءُ مِنْ غَيْرِ سَوَاءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (نمل/ ۱۲) و «وَوَاضَعُوكَ إِلَيْكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجُ

تَبْيَضَاءٌ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةٍ أُخْرَى \* لِئَرْيَاكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى» (طه/۲۳) منظور از آن را ید بیضاء دانسته‌اند را نیز ذکر می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۱-۴۲). تفسیر تسنیم نیز آن را اشاره به ید بیضاء می‌داند (جوادی آملی، ۱۴۰۳ش، ج ۷۹، ص ۳۰۴).

### ۳-۴. اشاره توأمان آیه به هر دو معجزه (عصا و ید بیضاء)

تفسیر روح المعانی با استشهداد به آیه «لَذَهَبَ أَنْتَ وَالْخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي» (طه/۴۲)، مقصود را هر دو معجزه ید بیضاء و عصا برشمرده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ۲۳۱). فخر رازی در ادامه تحلیل خود، نظر مجاهد را ذکر کرده مبنی بر اینکه آیه بزرگ، مجموع عصا و دست است و چنانکه بررسی سایر آیات نشان می‌دهند، نخستین چیزی که موسی (ع) به فرعون نشان داد، عصا بود و سپس آن را با ید بیضاء همراه کرد. بنابراین «آیه بزرگ» باید مجموع این دو باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۱-۴۲).

طبری مطابق روایات متعدد مراد از معجزه بزرگ را ید بیضاء و عصا دانسته و بسیاری از مفسران نیز مفهوم آیت کبری را اشاره به هر دو مورد به شکل توأمان تلقی کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ص ۲۶/۳۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۱۳۹؛ ثعالبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۱۲۸؛ دینوری، ۱۴۲۴ق، ص ۴۷۱؛ مکی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۲، ص ۸۰۳۷؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۳۹۷؛ ابن جوزی، ۱۴۲۵ق، ص ۴۳۷؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۳۹۹؛ جرجانی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۰، ص ۲۸۴؛ خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۹۳؛ قاشی، ۱۴۲۸ق، ص ۶۸۴؛ سیواسی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۲۸۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۱۳؛ انصاری، ۱۴۲۴ق، ص ۳۲۳؛ اشکوری، ۱۳۷۳ش، ج ۴، ص ۷۰۳؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۴۰۰؛ حائری، ۱۳۳۸ش، ج ۱۲، ص ۶۳؛ جزایری، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۵۱۱).

### ۳-۵. اشاره آیه به هر دو معجزه با ترجیح عصا

طبرسی و طبرانی آن را عصا دانسته و استدلال کرده که این معجزه از ید بیضا بزرگتر و فراگیرتر بوده است و احتمال ید را ضعیف دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۶۵۶؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۶، ص ۴۳۶). نظیر این استدلال مبنی بر ترجیح عصا بر ید بیضاء در تفاسیر دیگری نیز بیان شده است (رسعنی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، ص ۴۷۴؛ کاشانی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۴۴؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج ۹، ص ۱۰۰؛ شربینی، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۵۴۳؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۴۶۷؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۳۴۶؛ زبیدی، ۱۴۲۸ق، ج ۸، ص ۳۳۰). زمخشری می‌گوید نشانه بزرگ، به عصا اطلاق شده است، زیرا عصا مقدم و اصل بوده و نشانه دیگر (ید بیضاء) در حکم تابع آن است؛ چراکه موسی (ع) هنگام گرفتن عصا، با دستش از آن محافظت می‌کرد. از این رو به او گفته شد «دست را در گریانت فرو ببر»؛ و اگر مقصود از نشانه بزرگ هر دو باشد، آن دو را به صورت یک نشانه بیان کرده، چراکه نشانه دوم در حکم بخشی از نشانه نخست به شمار می‌رود و تابع آن است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۶۹۶).

### ۳-۶. اشاره آیه به هر دو معجزه با ترجیح ید بیضاء

مقاتل می گوید آن نشانه دست و عصا بود. چنانکه موسی دستش را بیرون آورد؛ سفید و درخشنده، به گونه‌ای که پرتوی همچون پرتو خورشید داشت و چشم را خیره می کرد. پس دست از عصا بزرگ تر و شگفت انگیزتر بوده است (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۵۷۷). برخی دیگر نیز آن را ید دانسته و گفته اند که ید بیضاء بزرگ ترین نشانه های نه گانه ای بود که به او داده شد (ابن ابی زمین، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۴۸۳؛ هواری، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۳۲).

### ۳-۷. اشاره آیه به صرفا یکی از دو معجزه بدون ترجیح

برخی از مفسران چنین استدلال کرده اند که نشانه بزرگ، عصا و ید بوده است؛ ابن عطیه به نقل از مجاهد می گوید این دو نشانه، از سوی موسی برای چالش (و آوردن دلیل) ارائه شدند، اما مخالفت و معارضه، تنها در یکی از آنها صورت گرفت و در همان بود که گروه باطل شکست خورد و عقب نشست (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۴۳۴). در تفاسیر دیگری نیز مشابه این استدلال دیده می شود (مبیدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۰، ص ۳۶۵؛ قرطبی، ۱۳۶۸ش، ج ۱۹، ص ۲۰۳؛ محلی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۸۸؛ ابن عادل، ۱۴۱۹ق، ج ۲۰، ص ۱۳۹؛ جزایری، ۱۳۸۸ش، ج ۵، ص ۳۴۲؛ واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۲۲؛ شبر، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۵۹؛ سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۳۳؛ نهاوندی، ۱۳۸۶ش، ج ۶، ص ۴۲۱).

ماتریدی با اشاره به دو دیدگاه مطرح در این باره می گوید گروهی استدلال کرده اند که نشانه بزرگ همان ید بیضاء است و آن را از این روی بزرگ نامیده اند که سحر ساحران بر طنابها و چوب دستها اثر گذاشت، اما بر دست تأثیری نداشت. بنابراین، این نشانه از نوع سحر آنها نبود لذا بزرگ خوانده شد. برخی دیگر نیز گفته اند که منظور از نشانه بزرگ، عصا است؛ زیرا پیروزی موسی (ع) بر ساحران از طریق عصا بود، همان جا که عصا چیزهایی را که آنها به عنوان سحر آورده بودند بلعید. وی با استشهاد به آیه «وَمَا تُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا» (زخرف/ ۴۸)، می افزاید بر این اساس همه نشانه های او بزرگ بودند لکن در آیه ۲۰ نازعات، یکی از آن دو نشانه نزد خردمندان و صاحبان اندیشه و کسی که در آن تأمل و تدبر کند، بزرگ تر از دیگری است (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۰، ص ۴۱۰).

### ۳-۸. بدون اشاره به مصداق و صرفا تاکید بر نفس معجزه

دسته دیگری از مفسران فقط به بیان نفس معجزه پرداخته و هیچ اشاره ای به مصداق معجزه در این آیه نکرده اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۱۸؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۹۱؛ مهائمی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۸۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۸۲؛ قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۳۸۱۲؛ سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰۹۴؛ شنقیتی، ۱۴۲۷ق، ج ۹، ص ۱۸؛ مکارم، ۱۳۷۱ش، ج ۲۶، ص ۹۱؛ صادقی تهران، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۱۵۱؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۴، ص ۳۹؛ قرائتی، ۱۳۸۸ش، ج ۱۰، ص ۳۷۷؛ هاشمی، ۱۳۸۶ش، ج ۲۰، ص ۶۲).

### ۳-۹. اقوال شاذ

ماوردی پس از اشاره به دو مصداق عصا و ید بیضاء به نقل از حسن بصری و قتاده قول دیگری را از سدی نقل می‌کند مبنی بر اینکه مقصود، بهشت و دوزخ است. وی احتمال سومی را نیز مطرح کرده و احتمال داده که منظور از «أَرَاهُ»، سخن گفتن خدا با موسی از درون درخت باشد (ماوردی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۹۸). هرچند این احتمال - در صورتی که فاعل «أَرَاهُ» را خداوند بدانیم و نه موسی - با فعل «أَرَاهُ» تناسب بیشتری دارد. قرطبی و شوکانی نیز شکافته‌شدن دریا را از مصادیق آیه دانسته‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۹، ص ۲۰۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۵۵). ابن عربی می‌گوید حقیقت هویت الهی را از طریق توحید علمی و هدایت حقیقی به او نمایاند (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۰۶).

#### ۴. بررسی سیاق آیه ۲۰ نازعات

برای فهم عمیق‌تر آیه ۲۰ نازعات، لازم است به بافتار آن در آیات قبل و بعد (آیات ۱۵ تا ۲۵) توجه کرد. ابن عطیه توضیح می‌دهد که فرمان «اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ» (نازعات/۱۷)، دعوتی نیکو بود؛ با گفتن «هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزْغَىٰ» (نازعات/۱۸) موسی او را به پاکی و فضیلت یا نجات و گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دعوت کرد. سپس با «وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ» (نازعات/۱۹) مقصود تزکی را روشن ساخت؛ چراکه دانش، خشیت می‌آورد (فاطر/۲۸). «ثُمَّ أَلْبَسْهُ يَسْعَىٰ» (نازعات/۲۲) به معنای روی گردانی فرعون و شتاب برای چاره‌جویی در برابر موسی است. «فَحْشَرَهُ» یعنی گردآوردن مردم و گفتن «أَنَا رَبُّكُمْ أَلَا عَلَيَّ» (نازعات/۲۴) که اوج گزافه‌گویی بود (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۴۳۴). روزبهان بقلی این آیه را بیان رمزی می‌داند، موسی تنها نشانه‌های ظاهری را نشان داد و نه انوار صفات الهی؛ لذا فرعون، محروم از محبت الهی، به طغیان ادامه داد «فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ» (بقلی، ۲۰۰۸م، ج ۳، ص ۴۸۳). ابن عربی نیز می‌گوید موسی حقیقت توحید را نمایاند، اما فرعون به سبب حجاب درونی و خودپرستی، آن را ندید، به مقابله برخاست و سرانجام گستاخانه گفت «أَنَا رَبُّكُمْ أَلَا عَلَيَّ» و به کبرای الهی تعرض کرد؛ پس رانده شد، چنان‌که در حدیث قدسی آمده است عظمت و کبریا پوشش و ردای خداوند است (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۰۶). در تفسیر ارشاد، این آیه بیانی فصیح با حذف‌های متعدد دانسته شده که جزئیاتش در سوره‌های دیگر آمده؛ نشان دادن آیه پس از گفت‌وگوها صورت گرفت و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در این آیه ممکن است به معنای فهماندن یا آشنا کردن باشد؛ زیرا فرعون، هنگامی که آن را دید، در واقع آن را شناخت. ولی نسبت دادن آن به سحر، تنها برای حفظ ظاهر و نشان دادن خودداری و استقامت بود، نه از روی جهالت (ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج ۹، ص ۱۰۰). طباطبایی می‌گوید، در صدر «فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ» حرف «فاء» فصیحه است و می‌فهماند چیزهایی در وسط کلام حذف شده، چون احتیاج به ذکر آنها نبوده و تقدیر کلام «فَاتَاهُ وَدَعَاهُ فَأَرَاهُ...» بوده یعنی پس موسی به نزد فرعون رفت و او را دعوت کرد و آیت کبرایی نشان داد و مراد از آیت کبری به‌طوری که از تفصیل قصه بر می‌آید، معجزه عصا بوده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۰، ص ۱۸۹).

#### ۵. تحلیل نشانه‌شناختی آیه با تکیه بر نظریه بارت

نظریه نشانه‌شناسی رولان بارت با تمایز سه‌گانه خود میان دلالت صریح (Denotation)، دلالت ضمنی (Connotation) و اسطوره‌سازی (Myth) ابزاری کارآمد برای تحلیل متون دینی، به‌ویژه آیات قرآن فراهم می‌آورد. بارت می‌گوید این چارچوب تحلیلی امکان می‌دهد که متن مقدس نه صرفاً در سطح معنای تحت‌اللفظی بلکه در بستر شبکه‌ای از معانی فرهنگی، اعتقادی و تاریخی واکاوی شود (بارت، ۱۹۷۲، ص ۱۱۶). عبارت «الْآيَةُ الْكُبْرَى» به دلیل برخورداری از بار معنایی غنی، یکی از مصادیق برجسته‌ای است که می‌توان با روش بارت، لایه‌های مختلف معنایی آن را بازشناسی کرد. در این بخش تلاش می‌شود سه سطح دلالتی بارت یعنی یکم، معنای صریحی که مفسر بر اساس زبان و بافت تاریخی آیه بیان کرده است. دوم معنای ضمنی که از پیوند آیه با پیش‌فرض‌ها و نگرش‌های فرهنگی، مذهبی یا فلسفی حاصل می‌شود و سوم معنای اسطوره‌ای که در نتیجه تثبیت و طبیعی‌سازی یک برداشت خاص شکل گرفته و خود به بازتولید معنای فرهنگی یا ایدئولوژیک منجر می‌شود، بر آیه اعمال شود:

## ۵-۱. اشاره به تمام معجزات موسی (ع)

**دلت صریح:** این خوانش (بیضاوی، ۱۴۱۸ق؛ قرطبی، ۱۳۶۴) آیه را به‌عنوان گزارشی کلی تلقی می‌کند که مجموع معجزات موسی را به‌مثابه «نشانه بزرگ» واحد معرفی می‌نماید؛ یعنی «الْآيَةُ الْكُبْرَى» نمایانگر تمامی کرامات و اعجازهای عرضه‌شده علیه فرعون است.

**دلت ضمنی:** چنین قرائتی معنا را از سطح یک واقعه مشخص فراتر می‌برد و معجزه را به نمادی از جامعیت رسالت پیامبر تبدیل می‌کند؛ پیامبر نه تنها حامل یک نشانه منفرد، بلکه محور مجموعه‌ای از معجزات هماهنگ است که مشروعیت او را در سطح کلان تأیید می‌کند.

**اسطوره‌سازی:** با تثبیت این برداشت در سنت تفسیری، پیامبر الهی به‌مثابه «موسای معجزه‌گر جامع» به اسطوره‌ای تبیینی بدل می‌شود که خودبه‌خود مشروعیت رسالت و جایگاه پیامبر را بدیهی جلوه می‌دهد؛ فرآیندی که بارت آن را روندی از طبیعی‌سازی ایدئولوژیک می‌داند (بارت، ۱۹۸۳). که «الْآيَةُ الْكُبْرَى» را صرفاً به دست سفید موسی (ع) بدون بیماری برص تفسیر کرده‌اند.

## ۵-۲. صرفاً اشاره به عصای موسی (ع)

**دلت صریح:** مفسرانی چون طباطبایی و نسفی (طباطبایی، ۱۳۷۴؛ نسفی، ۱۴۱۶ق) «الْآيَةُ الْكُبْرَى» را به عصا تخصیص می‌دهند و تمامی مظاهر معجزه را بر اساس عصا تبیین می‌کنند.

**دلت ضمنی:** تأکید بر «عصا»، نشانه گرایش به خوانشی «عینی - میدانی» از معجزه است؛ عصا به‌عنوان ابزاری که در میدان عمومی (برابر ساحران و مردم) عمل می‌کند، بار سیاسی و اجتماعی مواجهه پیامبر با طغیان را برجسته می‌سازد.

اسطوره‌سازی: بازتولید تداومی تصویر «عصای نمایان قدرت» در واگویه‌های روایی و تصویری، عصا را به نمادی تثبیت شده و نمادین از اقتدار نبوی تبدیل می‌کند که حضور و کارکرد اجتماعی پیامبر را بدیهی می‌سازد.

### ۵-۳. صرفاً اشاره به ید بیضاء

دلالیت صریح: دسته‌ای از مفسران (واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۱۷۱؛ جوادی آملی، ۱۴۰۳ش، ج ۷۹، ص ۳۰۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۱-۴۲). مصداق آیه را «ید بیضاء» بدون بیماری برص دانسته‌اند؛ یعنی رخدادی بصری و مستقیم که دست موسی را به صورت روشن و سفید جلوه‌گر می‌سازد و این روشنائی نشانه‌ای الهی بر صدق دعوی رسالت اوست.

دلالیت ضمنی: این تمرکز بر نشانه‌ای شخصی و لمسی - بصری، بر پاکی درونی پیامبر، الطاف خاص الهی و کارکرد نشانه علامت‌دهنده فردی تأکید می‌کند؛ بازنمایی‌ای که تجربه شخصی اثبات نبوت و برتری جسمی و معجزه حسی را نسبت به سایر نشانه‌ها تقویت می‌کند.

اسطوره‌سازی: در طول سنت تفسیری و خطابات عامه‌پسند، «ید بیضاء» به نماد درخشش صدق و برگزیدگی بدل می‌شود و هرگز به عنوان صرفاً یک رویداد طبیعی دیده نمی‌شود، بلکه به مثابه یک «حقیقت دال بر انتخاب الهی» طبیعی‌سازی می‌شود. این برداشت، معجزه را به پدیده‌ای شگرف اما صرفاً فیزیکی تقلیل می‌دهد و به مرور در حافظه دینی به یک «حقیقت بدیهی» بدل می‌شود که هرگونه تأویل معنوی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

### ۵-۴. اشاره توأمان آیه به هر دو معجزه (عصا و ید بیضاء)

دلالیت صریح: تفسیرهایی مانند آلوسی و برخی نگارش‌های فخر رازی (آلوسی، ۱۴۱۵ق؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق) هر دو نشانه و وقایع معجزه آسا را در یک عنوان کلی ذیل عنوان واحد «الْآيَةُ الْكُبْرَى» گردآورده‌اند.

دلالیت ضمنی: این قرائت همگرایی معجزه را برجسته می‌سازد؛ تأکید بر کلیت اعجاز موسی و پرهیز از تقلیل آن به یک نماد منفرد، می‌تواند واکنشی به اغراق یا انحصارسازی معنا باشد. رویکردی همگرایانه که می‌خواهد از ترجیح یک نشانه بر دیگری پرهیز کرده و «کلیت» اعجاز موسی را حفظ کند.

اسطوره‌سازی: شکل‌گیری تصویر «دوگانه-یکپارچه» از دو معجزه (عصا و ید) باعث می‌شود حافظه دینی، تصویری متکامل از قدرت نبوی را بازتولید کند که در آن هر بخش، نقش مکمل دیگری را ایفا می‌نماید و جزئی از اسطوره یک قدرت مطلق می‌شود.

### ۵-۵. اشاره آیه به هر دو معجزه با ترجیح عصا

دلالت صریح: طبرسی، طبرانی و دیگران (طبرسی، ۱۳۷۲ش؛ طبرانی، ۲۰۰۸م) که «آیه الکبری» را شامل هر دو اما با تقدم عصا دانسته و دست سفید را در مرتبه دوم اهمیت قرار داده‌اند. این تأکید بر نقش عصا در ابطال سحر ساحران و نمایش قدرت الهی دلالت دارد.

دلالت ضمنی: تقدم عصا دلالت بر اولویت معجزه «عمومی و میدانی» دارد؛ در فضای تقابل با ساحران و دستگاه حکومتی فرعون، ابزار میدانی عصا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌شود و معجزه را به جای رخدادی شخصی یا محدود در سطح تأثیر اجتماعی برجسته می‌سازد.

اسطوره‌سازی: این تقدم تاریخی - تفسیری موجب می‌شود عصا نماد غالب مواجهه پیامبر با طاغوت باشد و در حافظه جمعی دینی به عنوان «نماد بزرگ نبوت» تثبیت گردد تا جایی که در هنر اسلامی و روایی نیز به عنوان همراه همیشگی او تصویر می‌شود.

#### ۵-۶. اشاره آیه به هر دو معجزه با ترجیح ید بیضاء

دلالت صریح: طبق نقل مقاتل و برخی مفسران (مقاتل، ۱۴۲۳ق؛ ابن ابی زمنین، ۱۴۲۴ق)، ید بیضاء در مقام برتری نسبت به عصا قرار می‌گیرد.

دلالت ضمنی: اولویت ید بیضاء نشان از تأکید بر جلوه روشن الهی و برتری نشانه شخصی پیامبر دارد؛ این نگاه بر وجوه معرفتی و درونی تجربه ایمان تمرکز می‌کند تا بر اثرگذاری میدانی.

اسطوره‌سازی: بر پایه این قرائت، «ید بیضاء» به نمادی مرکزی از کرامت نبوی بدل می‌شود که کارکرد تثبیت‌کننده ایمان را در سطح فردی و جمعی به عهده می‌گیرد.

#### ۵-۷. اشاره آیه به صرفاً یکی از دو معجزه بدون ترجیح

دلالت صریح: شمار دیگری از مفسران (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق؛ میبیدی، ۱۳۷۱ش؛ قرطبی، ۱۳۶۸ش) معتقدند آیه به یکی از دو نشانه اشاره دارد اما ضرورت ترجیحی قاطع نه ذکر شده و نه لازم دانسته می‌شود.

دلالت ضمنی: این رویکرد نشان‌دهنده نگرشی محتاطانه و متنی است که بر کارکرد «دلیل» یا «حجت» در میدان مناقشه تأکید می‌کند، نه بر تعیین ماهیت دقیق نشانه؛ به عبارت دیگر، مهم اثربخشی نشانه در موقعیت است، نه ماهیت آن.

اسطوره‌سازی: در درازمدت، این عدم تعیین می‌تواند به اسطوره‌ای از «معجزه نافذ» منتهی شود که ابزار آن اهمیت ثانوی دارد و نفس اعجاز، قابل اتکا و بدیهی پنداشته می‌شود.

## ۵-۸. بدون اشاره به مصداق و صرفاً تأکید بر نفسِ معجزه

دلالت صریح: گروهی از مفسران (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق؛ قطب، ۱۴۲۵ق؛ مکارم، ۱۳۷۱ش) از مصداقِ مسبوق صرف نظر کرده و روی واقعهٔ معجزه به عنوان «آیت عظیم» تمرکز نموده اند.

دلالت ضمنی: این قرائت بی مصداق، معجزه را به مثابه نشانه‌ای فراتر از ابزارهای مشخص تاریخی نشان می‌دهد؛ در این خوانش، درک معنا به تجربهٔ ادراکی و معنوی مخاطب واگذار می‌شود و بر کارکرد دعوت و هشدار تأکید می‌گردد.

اسطوره‌سازی: چنین بازنمایی‌ای موجب می‌شود معجزه به عنوان یک «نشانهٔ متعالی» و بلافاصله از حقیقت الهی نگریسته شود و پرسش‌های تفصیلی پیرامون ابزار ظاهری، کم‌اهمیت جلوه کند.

## ۵-۹. اقوال شاذ

دلالت صریح: برخی اقوال نادر (ماوردی، قرطبی، شوکانی و برخی دیگر) مصادیق نامعمول مثل «بهشت و دوزخ»، «گشایش دریا» یا «سخن خدا با موسی در درخت» را مطرح کرده اند (ماوردی، بی تا؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق).

دلالت ضمنی: این خوانش‌های شاذ نشان‌دهندهٔ انعطاف و خلاقیت تفسیری‌اند؛ آنها مرزهای ممکن تأویل را گسترش می‌دهند و نشان می‌دهند متن قرآنی قابلیت بازخوانی در چارچوب‌های نمادین متنوع را دارد. چنین خوانش‌هایی اتصال مستقیم میان معجزه و معرفت شهودی و انتقال بحث از سطح فیزیکی به سطح باطنی و اخلاقی را توسعه می‌دهد.

اسطوره‌سازی: اگرچه این قرائت‌ها در متن سنت غالب تثبیت نشده اند، اما در حوزه‌های ذوقی یا قرائت‌های بدیل می‌توانند به تدریج اسطوره‌های جایگزینی تولید کنند که خوانش‌های غالب را به چالش کشانده یا تکمیل کنند. مانند تثبیت نورانیت به عنوان استعاره‌ای جهان‌شمول برای «حق» که در سایر متون عرفانی و تفسیری نیز بازتولید می‌شود.

## جمع‌بندی مباحث

کاربست سه گانهٔ بارت در تحلیل هر یک از نه خوانش نشان می‌دهد «الْآيَةُ الْكُبْرَى» شبکه‌ای چندلایه از معانی است: از دلالت‌های صریح (رویدادهای تاریخی یا ابزارهای معجزه‌آسا) تا دلالت‌های ضمنی (پیام‌های فرهنگی، سیاسی و معرفتی) و در نهایت اسطوره‌سازی‌هایی که برداشت‌های خاص را طبیعی‌سازی و بدیهی می‌سازند. این امر متضمن آن است که هر تفسیر تثبیت شده تنها خوانشی از میان خوانش‌های ممکن است و همان‌گونه که بارت نشان می‌دهد، اسطوره‌سازی تفسیری، علاوه بر بازتاب غنای متن قرآن، نقش محوری در طبیعی‌سازی معنا و مشروعیت‌بخشی به گفتمان‌های دینی بازی می‌کند (بارت، ۱۹۷۲؛ بارت، ۱۹۸۳، ج ۴، ص ۳۳).

## ۶. تحلیل گفتمان قدرت در تفسیر «الْآيَةُ الْكُبْرَى» با بررسی سیاق آیه ۲۰ نازعات

در این بخش با بررسی بافتار آیه و تحلیل رابطه تفسیر و قدرت، نسبت میان تفسیر، قدرت و تولید معنا در قالب نظریه فوکو واکاوی خواهد شد. جایی که تحلیل قدرت به مثابه یک متغیر نشانه‌ساز در فرایند تفسیر مورد توجه قرار می‌گیرد.

### ۶-۱. بررسی گفتمان قدرت مبتنی بر سیاق آیه در متن سوره

عبارت «فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى» در بستر داستان موسی و فرعون قرار دارد که از آیه ۱۵ شروع می‌شود و تا آیه ۲۵ ادامه می‌یابد. این بخش از قرآن، روایت مأموریت موسی (ع) به سوی فرعون است، دعوت او به هدایت و تزکیه و نمایش معجزاتی که تأییدگر پیامبری وی‌اند. سیاق این آیات، فضای تقابل حق و باطل و جدال قدرت را به خوبی نشان می‌دهد: آیات ۱۵ تا ۱۹ از دعوت و هشدار تا نشان دادن معجزه، زمینه‌سازی و مأموریت الهی موسی به فرعون را بیان می‌کنند. آیه ۲۰ نقطه عطف نمایش «الْآيَةُ الْكُبْرَى» است. آیات ۲۱ تا ۲۵ واکنش فرعون را نشان می‌دهند که شامل: انکار، عصیان، فرار، تجمع مردم و ادعای ربوبیت برتر توسط اوست. این سیاق نشان می‌دهد که آیه مورد بحث، نه صرفاً یک معجزه منفرد، بلکه بخشی از یک درام قدرت و چالش میان پیامبر و حاکم مستبد است. مفسران کلاسیک و معاصر با در نظر داشتن سیاق آیات معتقدند که «الْآيَةُ الْكُبْرَى» ضمن اینکه به معجزه‌ای فیزیکی اشاره دارد، نمایانگر «آیت حقانیت» و «قدرت الهی» در برابر جباران و مستبدان است. بدین ترتیب «الْآيَةُ الْكُبْرَى» نمادی است از نفی قدرت استبدادی و نمایش قدرت مشروع الهی. از سوی دیگر واکنش فرعون، به ویژه انکار و ادعای ربوبیت، خود بخشی از نمایش گفتمانی قدرت است که در مقابل قدرت پیامبر قرار دارد. همچنین رویکرد سیاقی می‌گوید نمی‌توان آیه را جدا از این زمینه‌های گفتاری و تاریخی فهمید؛ بلکه معنی آیه در پرتو کل داستان و تقابل میان دو نظام قدرت درک می‌شود.

### ۶-۲. تحلیل گفتمان قدرت بر اساس نظریه میشل فوکو

آیه مورد بحث در قالب نظریه میشل فوکو را می‌توان با عناوین زیر مورد بررسی قرار داد.

#### ۶-۲-۱. قدرت و دانش: تولید معنا به مثابه ابزار قدرت

فوکو در نظریه گفتمان‌هایش نشان می‌دهد که قدرت نه صرفاً در شکل قهری بلکه به واسطه تولید و کنترل دانش و معنا تحقق می‌یابد (فوکو، ۱۹۸۰، ص ۵۲). در متن آیه و تفاسیر مربوطه، مفسران به مثابه تولیدکنندگان دانش دینی، معنای آیه را می‌سازند و تثبیت می‌کنند. این دانش تولید شده، در بازتولید و تقویت گفتمان الهی و مشروعیت بخش پیامبری نقش دارد. همچنین، به واسطه این معنا، قدرت فرعون و نظام استبدادی‌اش زیر سوال رفته و تضعیف می‌شود. بنابراین، «الْآيَةُ الْكُبْرَى» هم نشانه‌ای از قدرت الهی است و هم موضوعی است که در ساخت گفتمان دینی به تولید معنا و مشروعیت می‌انجامد.

#### ۶-۲-۲. کارکرد گفتمانی انکار و عصیان فرعون

رفتار فرعون در آیات پس از نمایش آیه، یعنی انکار، عصیان و ادعای ربوبیت نمونه‌ای از مقاومت در برابر گفتمان قدرت پیامبری است. چنانکه فوکو تأکید می‌کند قدرت و مقاومت دو روی یک سکه‌اند. مقاومت فرعون، علی‌رغم ناکامی، نشان‌دهنده وجود چالش‌های مکرر برای گفتمان مسلط است و در نهایت بازتولید این مقاومت در متن تفسیرها، نقش مهمی در پویایی و تغییر معنایی آیات ایفا می‌کند.

### ۳-۲-۶. بازنمایی گفتمان قدرت در تفاسیر مختلف

مفسرانی که «الْأَيَّةُ الْكُبْرَى» را عصا می‌دانند، بر قدرت نمادین و عملی موسی در مواجهه با سحر و جباریت فرعون تأکید می‌کنند؛ آنان که ید بیضاء را برجسته می‌کنند، بیشتر بر معجزه‌ای شخصی و نشانه‌ای از الطاف خاص الهی تمرکز دارند و تفاسیری که هردو را با هم می‌پذیرند، ضمن حفظ کل‌نگری، نشان‌دهنده تلاش برای حفظ تمامیت و پیچیدگی گفتمانی معجزه‌اند. این تفاوت‌ها علاوه بر تنوع در فهم معنای آیه، نشان‌دهنده تفاوت‌های موقعیتی، فرهنگی و سیاسی مفسران در دوره‌های مختلف است که بر بازتولید معنا اثرگذار بوده‌اند.

### ۴-۲-۶. تحلیل انتقادی، تولید معنا و تسلط گفتمانی

در چارچوب نظری فوکو، می‌توان گفت تفاسیر متعدد، به مثابه بخشی از «گفتمان مسلط» به تثبیت نوع خاصی از معنا و واقعیت پرداخته‌اند؛ این گفتمان مسلط با حذف یا کنار گذاشتن دیدگاه‌های مخالف یا تفسیرهای متفاوت، قدرت خود را حفظ کرده است. بدین ترتیب، «الْأَيَّةُ الْكُبْرَى» نه تنها نشانه‌ای از قدرت الهی بلکه نمادی از قدرت تولید معنا در جامعه دینی محسوب می‌شود. همچنین هرگونه تغییر یا چالش در این معنا، به مثابه تهدیدی برای این قدرت تلقی شده و با آن مواجه می‌شود.

### ۷. تحلیل تأثیر آراء مفسران بر فهم معاصر و نقش آن در گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی

در روزگار معاصر، آیات نمادین قرآن از جمله «الْأَيَّةُ الْكُبْرَى» در سوره نازعات، بازخوانی‌های گوناگونی یافته‌اند. مفسران سنتی همچنان بر معنای عصا و ید بیضاء به عنوان نشانه قدرت الهی در برابر طغیان و استبداد تأکید می‌کنند (طالقانی، ۱۳۶۲ ش، ج ۳، ص ۹۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲۶، ص ۹۱؛ جوادی آملی، ۱۴۰۳ ش، ج ۷۹، ص ۳۰۴) و این رویکرد را ابزاری برای حفظ هویت دینی و نفی ظلم می‌دانند. در مقابل، برخی مفسران و پژوهشگران نوگرا، این آیه را نمادی از مبارزه با دیکتاتوری‌های معاصر و دعوت به عدالت اجتماعی تفسیر می‌کنند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۴، ص ۴۱). این آیه در گفتمان‌های سیاسی نیز کارکردی دوگانه دارد، حکومت‌های اسلامی و جریان‌های دینی آن را به منزله تأیید الهی نظام حاکم معرفی می‌کنند، در حالی که منتقدان سیاسی و فعالان اجتماعی از آن برای نقد استبداد و فساد بهره می‌برند (مجلسی و زینلی‌پور، ۱۳۹۹ ش، ج ۷۹، ص ۴۵۵). چنین دوگانگی‌ای بازتاب تنش میان جریان‌های مشروعیت‌بخش و مقاومت است. در عرصه رسانه و فرهنگ، داستان موسی و فرعون در قالب فیلم‌ها، کتاب‌ها و سخنرانی‌ها بازتولید می‌شود؛ موسی به عنوان نماد آزادی‌خواهی و فرعون نماد ظلم و استعمار معرفی می‌گردد. این بازنمایی‌ها به

تقویت حس مقاومت و امید به عدالت در میان عموم و نخبگان کمک می‌کند. در مجموع، گفتمان‌های متنوع پیرامون «الْأَيَّةُ الْكُبْرَى» فهمی چندوجهی پدید آورده که هم به پویایی معنای دینی یاری رسانده و هم گاه به تعارض میان گروه‌های دینی و سیاسی منجر شده است. شناخت این تنوع برای فهم نقش قرآن در تحولات اجتماعی و سیاسی ضروری است.

## نتیجه‌گیری

مفسران دیدگاه‌های گوناگونی از مفهوم و مصداق آیه ۲۰ نازعات ارائه کرده‌اند که در ۹ عنوان مجزا دسته‌بندی و مطرح شد. بررسی تفاسیر گوناگون از «الْأَيَّةُ الْكُبْرَى» در سورة نازعات نشان داد که این تعبیر قرآنی نه معنایی تک‌بعدی، بلکه شبکه‌ای پیچیده از دلالت‌های صریح، ضمنی و اسطوره‌ای را در خود جای داده است. تحلیل نشانه‌شناختی بر پایه مدل رولان بارت آشکار ساخت که لایه‌های معنایی این آیه، از سطح رویداد تاریخی و معجزه فیزیکی، تا معانی استعاری، باطنی و فراتاریخی امتداد می‌یابد و هر یک در بستر گفتمان‌های فرهنگی و اعتقادی تثبیت شده‌اند. همچنین، به کارگیری چارچوب نظری میشل فوکو در تحلیل گفتمان قدرت نشان داد که تفسیر آیه، هم ابزاری برای تولید و بازتولید دانش دینی و مشروعیت‌بخش است و هم عرصه‌ای برای مقاومت و منازعه معنایی میان جریان‌های فکری و سیاسی. در این گستره، با نگاه فوکو، می‌توان تفاسیر را به عنوان ابزارهایی برای تثبیت و حفظ قدرت دینی و فرهنگی در نظر گرفت؛ لذا مطالعه آیه بدون در نظر گرفتن سیاق تاریخی و گفتمانی، ناقص بوده و وافی مقصود نخواهد بود.

یافته‌ها بیانگر آن است که «الْأَيَّةُ الْكُبْرَى» در طول تاریخ، در تعامل با شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بازخوانی شده و معانی آن متناسب با نیازها و دغدغه‌های هر دوره شکل گرفته است؛ از تثبیت الگوی «پیامبر در برابر طاغوت» در تفاسیر سنتی، تا بازتعریف آن به عنوان نماد مبارزه با استبداد و استعمار در گفتمان‌های معاصر. در عین حال، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در تفسیر «الْأَيَّةُ الْكُبْرَى» آن گونه که در منابع تفسیری منعکس شده، مصادیقی چون «عصا»، «ید بیضاء» و یا ترکیب این دو، هر یک در لایه‌های دلالتی متفاوتی قرار گرفته‌اند. در سطح دلالت صریح، این مصادیق صرفاً به معجزات عینی و جسمانی موسی (ع) اشاره دارند؛ اما در سطح دلالت ضمنی، به نشانه‌هایی از اثبات رسالت و برتری پیامبر در برابر فرعون تبدیل می‌شوند؛ و در سطح اسطوره‌ای، کارکردی فراتر یافته و به نماد قدرت الهی، فروپاشی سلطه طاغوت و تثبیت مشروعیت دینی موسی (ع) بدل می‌گردند.

این سطوح معنایی وقتی در چارچوب گفتمان‌های تاریخی و نهادی - به روایت فوکو - تحلیل می‌شوند، نشان می‌دهند که چرا برخی مفسران بیشتر بر بعد معجزه جسمانی تأکید کرده‌اند و برخی دیگر، بعد اعتقادی و ایدئولوژیک آن را برجسته ساخته‌اند. بنابراین، بازخوانی دقیق این لایه‌ها روشن می‌سازد که «آیه کبری» نه تنها موضوعی کلان در تاریخ تفسیر است، بلکه در جزئی‌ترین سطح نیز به تولید معانی متکثر و متناسب با نیازهای هر دوره و گفتمان منجر شده است. این مطالعه تأکید می‌کند که تنوع تفسیری و توجه به رویکردهای نوین و جنبه‌های ادبی معاصر، ضمن غنا بخشیدن به فهم دینی، نشان می‌دهد که معنا امری ایستا و مطلق نبوده، بلکه محصول فرایندهای گفتمانی و تاریخی است. در نتیجه، مطالعه «الْأَيَّةُ الْكُبْرَى» با رویکرد نشانه‌شناسی و نظریه گفتمان قدرت، نه

تنها به شناخت بهتر ساحت‌های معنایی یک آیه خاص کمک می‌کند، بلکه الگویی روش‌شناختی برای تحلیل متون دینی به‌عنوان میدان تعامل میان متن، قدرت و فرهنگ فراهم می‌آورد. چنین رویکردی می‌تواند در مطالعات قرآنی معاصر، به بازگشایی افق‌های تازه‌ای در فهم نسبت دین و جامعه یاری رساند.

## منابع

### قرآن کریم

- آل‌غازی، عبدالقادر. (۱۳۸۲ق). **بیان المعانی**. دمشق: مطبعة الترقی.
- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن أبی زمنین، محمد بن عبدالله. (۱۴۲۴ق). **تفسیر ابن أبی زمنین**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). **زاد المسیر فی علم التفسیر**. بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۵ق). **تذکره الاریب فی تفسیر الغریب**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عادل، عمر بن علی. (۱۴۱۹ق). **اللباب فی علوم الکتاب**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق). **التحریر و التنویر**. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن عربی، محمد بن علی. (۱۴۲۲ق). **تاویلات عبدالرزاق**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن عربی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ق). **رحمه من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن**. دمشق: مطبعة النشر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). **تفسیر القرآن العظیم**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۲۹۰ق). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق). **المحرز الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن وهب دینوری، عبدالله بن محمد. (۱۴۲۴ق). **الواضح فی تفسیر القرآن الکریم**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابوالسعود، محمد بن محمد. (۱۹۸۳م). **ارشاد العقل السلیم الی مزايا القرآن الکریم**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). **البحر المحیط فی تفسیر**. بیروت: دارالفکر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**. مشهد: آستان قدس.

اشكوری، محمد بن علی. (۱۳۷۳ش). **تفسیر شریف لاهیجی**. تهران: نشر داد.

انصاری، زکریا بن محمد. (۱۴۲۴ق). **فتح الرحمن**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

بقاعی، ابراهیم بن عمر. (۱۴۲۷ق). **نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). **انوار التنزیل و اسرار التأویل**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

پانی پتی، ثناء الله. (۱۴۱۲ق). **تفسیر المظهری**. پاکستان: مکتبه رشدیہ.

پیرانی شال، ع و زریوند، ن. (۱۴۰۲). **نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌های سورة مبارکه «المسد» از منظر رولان بارت**، پژوهش‌های ادبی - قرآنی، دانشگاه اراک، ۱۱(۱)، صص ۵۳-۷۵.

[20.1001.1.23452234.1399.8.2.5.2](https://doi.org/10.1001.1.23452234.1399.8.2.5.2)

ثعالبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). **الكشف و البیان**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

جرجانی، حسین بن حسن. (۱۳۷۸ش). **جلاء الأذهان و جلاء الأحزان**. تهران: دانشگاه تهران.

جزایری، ابوبکر جابر. (۱۴۱۶ق). **ایسر التفاسیر لكلام العلی الكبير**. مدینه: مکتبه العلوم و الحكم.

جزایری، نعمت الله. (۱۳۸۸ش). **عقود المرجان فی تفسیر القرآن**. قم: مؤسسه نور وحی.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۳ش). **تفسیر تسنیم**. قم: مرکز نشر اسراء.

حائری طهرانی، علی. (۱۳۳۸ش). **مقتنیات الدرر**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

حجازی، محمد محمود. (۱۴۱۳ق). **تفسیر الواضح**. بیروت: دارالجليل.

حسینی همدانی، محمد. (۱۴۰۴ق). **انوار درخشان در تفسیر قرآن**. تهران: انتشارات لطفی.

خازن، علی بن محمد. (۱۴۱۵ق). **لباب التأویل فی معانی التنزیل**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

خرمدل، مصطفی. (۱۳۸۶ش). **تفسیر نور**. تهران: نشر بعثت.

خطیب شربینی، محمد بن احمد. (۱۴۲۵ق). **السراج المنیر**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۲۲ق). **المفردات فی غریب القرآن**. بیروت: دارالمعرفه.

رسعنى، عبدالرزاق. (١٤٢٩ق). رموز الكنوز في تفسير الكتاب العزيز. مكة: مكتبة الاسدى.

روزبهان بقلی، ابن ابی نصر. (٢٠٠٨م). عرائس البیان فی حقائق القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.

زییدی، ماجد ناصر. (١٤٢٨ق). التیسیر فی التفسیر القرآن. بیروت: دار المحجۃ البیضاء.

زرکشی، محمد بن بهادر. (١٤١٠ق). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دارالمعرفه.

زریوند، نیلوفر و همکاران. (١٤٠٢). نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌های سورۃ مبارکه «النازعات» با تکیه بر نظریه رولان بارت. مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم. ٦ (٢). صص ٢٥٣-٢٧٥.

doi: [1022034/sshq.2023.362102.1230](https://doi.org/10.222034/sshq.2023.362102.1230)

زمخشری، محمود بن عمر. (١٤٠٧ق). الکشاف. بیروت: دارالکتاب العربی.

سبزواری، محمد. (١٤١٩ق). ارشاد الازدهان الی تفسیر القرآن. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

سعدی، عبدالرحمن. (١٤٠٨ق). تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان. بیروت: مکتبه النهضه العربیه.

سلطان علیشاه، محمد بن حیدر. (١٤٠٨ق). بیان السعاده فی مقامات العبادہ. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

سیواسی، احمد بن محمود. (١٤٢٧ق). عیون التفاسیر. بیروت: دار صادر.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (١٤٠٤ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.

شاه عبدالعظیمی، حسین. (١٣٦٣ش). تفسیر اثنی عشری. تهران: نشر میقات.

شبر، عبدالله. (١٤٠٧ق). الجوهر الثمین غی تفسیر الكتاب المبین. کویت: مکتبه الالفین.

شنقیطی، محمد امین. (١٤٢٧ق). أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.

شوکانی، محمد. (١٤١٤ق). فتح القدیر. دمشق: دار ابن کثیر.

شیبانی، محمد بن حسن. (١٤١٣ق). نهج البیان عن کشف معانی القرآن. قم: نشر الهادی.

صادقی تهرانی، محمد. (١٤١٩ق). البلاغ فی تفسیر القرآنی بالقرآن. قم: مکتبه محمد الصادق الطهرانی.

صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ق). **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه**. قم: فرهنگ اسلامی.

صدیق حسن خان، محمد صدیق. (۱۴۲۰ق). **فتح البیان فی مقاصد القرآن**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

طالقانی، محمود. (۱۳۶۲ش). **پرتوی از قرآن**. تهران: شرکت سهامی انتشار.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴ش). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). **تفسیر القرآن العظیم**. اردن: دارالکتاب الثقافی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصر خسرو.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دارالمعرفه.

طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵ش). **مجمع البحرین و مطلع النیرین**. تهران: مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طوفی، سلیمان بن عبدالقری. (۱۴۲۶ق). **الاشارات الالهیه الی المباحث الاصولیه**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۰ش). **تفسیر عاملی**. تهران: کتابفروشی صدوق.

عباسی، آزاده و میرغفوریان، فاضله. (۱۴۰۲). **تحلیل نشانه‌شناختی «اسراف و اقتار» در آیه ۶۷ سوره فرقان بر**

**اساس مربع گریماس**. دوفصلنامه آموزه‌های قرآنی، ۲۰(۳۸)، صص ۱۲۳-۱۵۰.

[10.30513/qd.2023.4161.1913](https://doi.org/10.30513/qd.2023.4161.1913)

علوان، نعمت الله بن محمود. (۱۹۹۹م). **الفواتح الالهیه و المفاتح الغیبیه**. قاهره: دار رکابی للنشر.

غیبی، عبدالاحد و اصغری، فرشته. (۱۴۰۱). **تحلیل بلاغی سوره «قلم» با تکیه بر الگوی سبک‌شناسی گفتمانی**

**میشل فوکو**. مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم، ۵(۲)، صص ۹-۳۰.

1022034/sshq.2022.354651.1185

فارس بن زکریا، ابی‌الحسین. (۱۴۲۲ق). **معجم مقائیس اللغة**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). **مفاتیح الغیب**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). **کتاب العین**. تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی. قم: هجرت.

فضل الله، محمدحسین. (۱۴۱۹ق). **من وحی القرآن**. بیروت: دارالملاک.

فیضی، ابوالفیض بن مبارک. (۱۴۱۷ق). **سواطع الالهام فی تفسیر کلام الملك العلام**. قم: دار المنار.

فیض کاشانی، محمد. (۱۴۱۵ق). **تفسیر الصافی**. تهران: مکتبه الصدر.

قاسمی، جمال الدین. (۱۴۱۸ق). **محاسن التأویل**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

قاشی، حیدر بن علی. (۱۴۲۸ق). **تفسیر القاشی**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

قزائتی، محسن. (۱۳۸۸ش). **تفسیر نور**. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی بنایی، علی اکبر. (۱۳۷۵ش). **تفسیر احسن الحدیث**. تهران: بنیاد بعثت.

قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ش). **الجامع لاحکام القرآن**. تهران: ناصر خسرو.

قطب، سید. (۱۴۲۵ق). **فی ظلال القرآن**. بیروت: دار الشروق.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ش). **تفسیر القمی**. قم: دارالکتاب.

قمی مشهدی، محمد. (۱۳۶۸ش). **کنز الدقائق و بحر الغرائب**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کاشانی، فتح الله. (۱۴۲۳ق). **زبدہ التفاسیر**. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

کاشانی، فتح الله. (بی‌تا). **منهج الصادقین فی ألام المخالفین**. تهران: کتابفروشی اسلامیه.

کاشفی، حسین بن علی. (بی‌تا). **تفسیر حسینی (مواهب علیه)**. سراوان. کتابفروشی نور.

ماوردی، علی بن محمد. (بی‌تا). **النکت و العیون**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

مجلسی، محمد اسماعیل و زینلی‌پور، فاطمه. (۱۳۹۹ش). **نقش ساختارها و سازمان‌ها در گفتمان‌سازی برای**

**مقاومت اسلامی**. همایش ملی مقاومت اسلامی از نگاه قرآن کریم، ش ۱، صص ۴۵۵-۷۹.

محلی، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). **تفسیر الجلالین**. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.

مراغی، احمد مصطفی. (بی‌تا). **تفسیر المراغی**. بیروت: دار الفکر.

- مغنيه، محمدجواد. (١٤٢٤ق). **التفسير الكاشف**. بيروت: دارالكتاب الاسلامي.
- مقاتل بن سليمان. (١٤٢٣ق). **تفسير مقاتل بن سليمان**. بيروت: دار احياء التراث العربي.
- مكارم شيرازي، ناصر. (١٣٧١ش). **تفسير نمونه**. تهران: دارالكتب الاسلاميه.
- مكي بن حموش. (١٤٢٩ق). **الهدايه إلى بلوغ النهايه**. شارجه: جامعه الشارقه.
- مهائمي، علي بن احمد. (١٤٠٣ق). **تبصير الرحمن و تيسير المنان**. بيروت: عالم الكتب.
- مبيدي، احمد بن محمد. (١٣٧١ش). **كشف الاسرار و عده الابرار**. تهران: اميركبير.
- نسفي، عبدالله بن احمد. (١٤١٦ق). **مدارك التنزيل و حقائق التاويل**. بيروت: دارالفنائس.
- نهادندي، محمد. (١٣٨٤ش). **نفحات الرحمن في تفسير القرآن**. قم: مؤسسه البعثه.
- واحدى، علي بن احمد. (١٤١٥ق). **الوجيز في تفسير كتاب العزيز**. بيروت: دارالقلم.
- هاشمي رفسنجاني، اكبر. (١٣٨٤ش). **تفسير راهنما**. قم: بوستان كتاب.
- هوارى، هود بن محكم. (١٤٢٤ق). **تفسير كتاب الله العزيز**. بي جا: دارالبصائر.

## منابع انگلیسی

- Abdullahi-Idiagbon, M. S. (2014). Language, identity and power in the Qur'anic story of Moses: A sociolinguistic survey. *PUTAJ Humanities and Social Sciences*, 21, 45–62.
- Barthes, R. (1972). *Mythologies*. New York, NY: Hill and Wang.
- Barthes, R. (1983). *Image, music, text*. New York, NY: Noonday Press.
- Chandler, D. (2007). *Semiotics: The basic concepts* (2nd ed.). Routledge.
- Discourse analysis in Foucauldian perspective. (2024). In *Foucauldian discourse analysis: Discourse Analyzer AI Toolkit*. Retrieved from <https://discourseanalyzer.com/key-principles-of-foucaults-theory-in-discourse-analysis>
- Foucault on power/discourse. (2022, December 5). *Sociology.Institute*. Retrieved from <https://sociology.institute/sociological-theories-concepts/foucault-power-knowledge-discourse>

Foucault, M. (1969). *L'archéologie du savoir* [The archaeology of knowledge]. Paris, France : Éditions Gallimard.

Foucault, M. (1972). *The archaeology of knowledge* (A. M. Sheridan Smith, Trans.). New York, NY :Pantheon.

Foucault, M. (1977). *Discipline and punish* (A. M. Sheridan, Trans.). New York, NY :Pantheon.

Foucault, M. (1980). *Power/knowledge :Selected interviews and other writings, 1972–1977* (C. Gordon, Ed.). New York, NY :Pantheon.

Harahap, M. F., Lubis, F., Lubis, S., & Lubis, S. A. (2024). The concept of idols in Qur'an :A semiotic analysis of Roland Barthes. *ARABIYATI :Journal of Arabic Language Education*, 1(1), 96–113. <https://doi.org/10.xxxxx/arabiyati.v1i1.000>

Mythologies. (2025). In *Wikipedia*. Retrieved July 2025, from [https://en.wikipedia.org/wiki/Mythologies\\_\(book\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Mythologies_(book))

Oxford Reference. (n.d.). *Orders of signification*. Retrieved from <https://www.oxfordreference.com/display/10.1093/oi/authority.20110803100253354>

Roland Barthes' semiotic analysis of the meaning of ḥarām. (2023). *QiST :Qur'anic Interpretation Studies*. Universitas Muhammadiyah Surakarta. <https://doi.org/10.xxxxx/qist.vxiy.zzz>

Undergraduate's guide to literary theory and criticism. (2020). Roland Barthes. Retrieved July 2025, from <https://undergradliterit.weebly.com/barthes.html>